



۲۰۲۰/۰۹/۱۶

م. اسحاق نگارگر

در جنگ دستار و نکتایی صراحت لهجه وجود ندارد!

این روزها نکتایی پوشان کابل و دستار به سرهای قطر با هم به مذاکره نشسته اند تا مشکل مردم افغانستان را حل کنند و کبوتر صلحی را که اینان خود سلاخی کرده اند زنده بسازند و شب در میان جنگ را به پایان برسانند و برادر وار نفرتی را که در بیش از چهل سال ایجاد کرده اند از میان ببرند و سرود زنده باد صلح؛ زنده باد صلح سر بدهند.



اینان هرچه میگویند حرف حساب شان این است که نعش گذشته را به خاک بسپارید و هرگز این پرسش را مطرح نکنید که مصیبت های افغانستان کدام مسؤول هم دارد و آیا این مردم حق دارند بر ضد کس از هزاران دعوای حق العبدی یکی را مطرح کنند یا به اصطلاح روز از نوروزی از نو هر دو گروه تحمیل شده از بیرون را بعنوان اربابان تازه بپذیرند و جنگسالاران قبلی که جنایات جنگی خود را بخشوده بودند جنایات جنگی طالبان را نیز ببخشایند که اینان همه غیر مسؤول واجب الاحترام استند و مسؤول همه مصیبت ها مردم فاقد صلاحیت و اختیار افغانستان استند. من نخست همانند گلک راستگوی یک رشته حقایق تاریخی و انکارناپذیر را مطرح و در پرتو آن پرسش های خود را به خدمت مسؤولان و پالیسی سازان تقدیم میکنم.

(۱) معمولاً در مذاکرات صلح طرفین به صلح علاقه و نسبت به یکدیگر صداقت دارند اما اینان نه به صلح علاقه دارند و نه نسبت به یکدیگر صداقت و به همین دلیل از شیوه های تعلیق به محال کار می گیرند و مذاکره را به اموری مربوط می کنند که در حال حاضر عملاً ممکن نیست.

از طالبان آغاز میکنم:

طالبان که یک بار در افغانستان به قدرت رسیده اند و خود شان و مردم آن روزگار را خوب به خاطر دارند و میدانند که اسلام طالبان در آن روز ها اسلام خشونت و تازیانه بود که زنان را از کار و تحصیل محروم نموده بودند و پنج سال کامل تعلیم و تربیه زنان را با رکود مواجه ساختند؛ تلویزیون ها؛ تیپ ها؛ ویدیو ها را به دار ها آویختند و حتی بدون هرگونه مجوز قانونی در محافل خصوصی عروسی داخل خانه ها شدند و زنان و مردان را زیر تازیانه افکندند و هتک حرمت کردند و اینک جناب مُلا برادر می فرماید که آنان یک افغانستان پیشرفته و مجهز با تکنالوژی؛ آزادی بیان و اسلامی می خواهند. ظاهراً این گفته با آنچه درگذشته کرده اند در تضاد است. این تضاد را رهبران طالب چه گونه در ذهن خود و پیروان خود توجیه می کنند؟ آیا آنچه درگذشته انجام داده اند به خاطر تفسیر عندی از اسلام انجام داده اند و امروز از آنچه کرده اند پشیمان استند و یا این تغییر در عقیده را به خاطر کمک های امریکا اعلان کرده اند که اینک معلوم میشود کمکِ بلاعوض و انسانی نبوده است و امریکا با یک دست به طالبان پول داده و با دست دیگر درون های خود را رهبری کرده است تا بر سر شان بم بریزد.

آری امریکای خانه پُر پلو به خاطر این که کار از محکم کاری درز نمی کند در کیسه های هر دو طرف معادله پول ریخته است تا به هر دو بفهماند که منظور امریکا یک سازش مصلحتی و میکانیکی است و قصدش این نیست که علل اصلی بحران افغانستان را ریشه کاوی کند از کجا معلوم که هر دو طرف تا عبور از پُلِ مُراد یک شیر درنده و خون آشام را «شیر لالا» نمی خوانند.

برای مردم چه کس تضمین میکند که طالبان همان طالبان سال های نَوَد نیستند و دستاورد هایی را که ناتو به خاطر ان بر سینه خود مدال افتخار می کوید برباد نمیدهند؟؟
حرف آخر اینکه طالبان هرگز نمایندگان مردم افغانستان نبوده اند و امروز هم در سیاست خارجی افغانستان می خواهند دستکاری و از موضع پاکستان بر ضد هند حمایت کنند.

۲) و اما جناح دولت: این جناح در سه انتخابات پیهم مداخله و نتیجه هر سه انتخابات را مشکوک ساخته هنگامه تقلب تقلب سر داده و مایه آن گردیده است که سران دولت به جای اینکه محصول یک انتخابات آزاد و فارغ از مداخله باشند محصول مداخله امریکا و سازش میان جنگسالاران بوده اند پس این دولت ها نیز به هیچ وجه از مردم افغانستان نمایندگی نکرده اند و هنوز هم افغانستان بحران زده از ملل متحد طلبکار یک انتخابات آزاد و فارغ از مداخله است و اینک یک تضاد مشکل در جنگ دستار و نکتایی در قَطَر این نیز است که جناح دولت از اردو؛ قانون اساسی و جمهوریت دفاع می کند ولی طالب می خواهد عناصر طرفدار خود را داخل اردوی افغانستان نماید و قانون اساسی و جمهوریت را هم قبول ندارد و به صورت طبیعی قصه از این قرار است که یکی را در ده راه نمی دادند ولی اصرار داشت که اسپش را در خانه مَلِک ببندند.

من که هنوز نمیدانم ادعای طالبان دُرُست است که امریکا و ناتو در برابر جهاد طالبان شکست خورده اند و می خواهند از افغانستان آبرومندانه پا سُبک کنند و بروند و یک حالت ناکارا و میکانیکی را بر افغانها تحمیل کنند چنانکه حکومت "وان تیو" را بر ویتنام تحمیل کرده بودند یا تعهد طالبان با امریکا جدی است و طالبان پذیرفته اند که امریکا و مردم افغانستان امارت اسلامی شان را نپذیرفته اند بنا بر این احیای امارت

اسلامی مطرح نیست و طالبان فردا با دعوت یک لویه جرگه دیگر رؤیای امارت را به حقیقت بالفعل بدل نمیکنند. همدا اوس خو په قطر کی طالبان دي چي بر بر غبریری او د دولت استازي د مورکانو سوری لټوی. فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۱۳ سپتمبر ۲۰۲۰ برمنگهم



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک کنید](#)

